



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۵/۸

شماره مجوز مجله : ۸۰۴۰۰

## تأملی بر شرایط ورود ، اعتراض و جلب شخص ثالث

شبنم محسنی

### چکیده

از نظر قانونی افرادی که در یک دعوی وارد میشوند؛ شامل خواهان و خوانده میشوند که اصحاب دعوی هستند و گروه سوم که خارج از شمول اصحاب دعوی و در برابر دو گروه قبلی هستند، عنوان «شخص ثالث» را دارند. منظور از شخص ثالث همه اشخاص حقیقی یا حقوقی هستند که در دادخواست اصلی، عنوانی از خواهان و خوانده ندارند به دلیل اینکه ممکن است از رای صادره، به حقوق اشخاصی که در آن دعوی حضور نداشته اند خللی وارد شود، قانونگذار حق اعتراض ثالث را برای این اشخاص پیش بینی کرده است. همچنین اگر توسط یکی از اصحاب دعوی علیه شخص ثالث اقامه دعوی شود، شخص ثالث به دادگاه جلب میشود.

## کلید واژگان

شخص ثالث، آیین دادرسی، جلب، ورود، اعتراض، دعوا

### مقدمه

یکی از حقوقی که برای شخص ذی نفع خارج از دعوی مطرح شده است اعتراض ثالث است. این حق به شخص ثالث اجازه میدهد که اگر دعوی مابین اصحاب اصلی به حقوق اولطمه وارد سازد و باعث تضییع حقوق شخص ثالث شود میتواند وارد ماهیت دعوا شود. همچنین یکی از حقوقی که برای اصحاب دعوی اصلی در آیین دادرسی مدنی پیش بینی و مقرر شده، حق جلب اشخاص ثالث به دادرسی است. این حق به طرفین دعوی اصلی اجازه میدهد در مواردی شخص ثالثی را به دادرسی جلب و او را تبدیل به یکی از اصحاب دعوی میان خود کنند.

این مقاله درصدد بررسی این موضوعات است که چه اشخاصی حق اعتراض ثالث دارند؟ شخص ثالث چگونه میتواند وارد دعوا شود؟ چگونه میشود جلب ثالث نمود؟ خواسته دعوی اعتراض ثالث چیست؟ در نهایت رسیدگی و تصمیم گیری نسبت به این دعوی چگونه است؟

از نظر قانونی افرادی که در یک دعوا وارد میشوند سه دسته اند: گروه اول خواهانو دوم که به عنوان خواننده هستند و اصحاب دعوی را تشکیل میدهند. گروه سوم خارج از شمول اصحاب دعوی هستند و در برابر دو گروه قبلی عنوان شخص ثالث را دارند. منظور از شخص ثالث همه اشخاص حقیقی یا حقوقی هستند که در دادخواست اصلی عنوانی از خواهان و خوانده ندارند.

## ۱. مفهوم شخص ثالث

### ۲. ۱ مفهوم لغوی شخص ثالث

شخص ثالث در مفهوم عرفی و ابتدایی خود به معنی شخص غیرمرتبط و غیراصلی نسبت به موضوع است که در کاربردهای مختلف حسب مورد میتواند مصادیق خاصی داشته باشد. اصولاً در بررسی هر نهاد حقوقی توجه به مداخلات عناصر خارجی و آثاری که دخالت آن ها را به همراه دارد، بسیار ضروری است و بر همین اساس اصطلاح شخص ثالث به مفهومی عام میتواند شامل همان عناصر خارجی که طرف اصلی موضوع نبوده اند باشد. واژه ثالث در عربی به معنی سوم است بدین مفهوم که امرسومی غیر از دو طرف اصلی رابطه حقوقی است و بررسی احکام و ویژگی های آن در واقع بررسی عنصری غیر از دو طرف رابطه حقوقی میباشد. در مواردی ممکن است که شخص ثالث نسبت به یک نفر مصداق پیدا کند و منظور از شخص ثالث شخصی غیر از نفری که طرف اصلی است میباشد. (پور عبدالله، ۱۳۹۲، ص ۱۵۸).

### ۲.۱ مفهوم اصطلاحی (حقوقی) شخص ثالث

باتوجه به موارد استعمال آن در مقررات قانونی این واژه در حقوق ایران کاربردهای مختلفی دارد.

### ۳.۱ شخص ثالث در قراردادها بطور کلی

شخص ثالث یعنی شخصی غیر از طرفین قرارداد و غیر از قائم مقام قانونی آن ها مانند آنچه در مواد ۲۳۱ و ۴۸۸ قانون مدنی آمده است. ماده ۲۳۱ قانون مدنی بیان میدارد: معاملات و عقود فقط درباره طرفین متعاملین و قائم مقام قانونی آن ها مؤثر است مگر در مورد ماده ۱۹۶ (راجع به تعهد به نفع شخص ثالث) بنابراین اصل برای این است که عقود قراردادها، اثری نسبت به اشخاص ثالث که نه طرف قرارداد هستند نه قائم مقام او، ندارد مگر در موارد استثنا، مانند تعهد به نفع ثالث .

بنابراین در عقود و قراردادها بطور کلی هرگاه صحبت از شخص ثالث مطرح شود مقصود شخصی است که نه طرف قرارداد است و نه قائم مقام قانونی وی، و با این وصف، اشخاصی مانند وکیل، وصی، ولی، قیم، امین و یا ورثه هر یک از طرفین دعوی، شخص ثالث تلقی نمیشوند، و دخالت آن ها در قرارداد با وجود شرایط قانونی، شخص ثالث تلقی نخواهد شد چرا که نماینده طرف اصلی قرارداد بوده و اقدامات آن ها به منزله اقدامات شخص اصیل است. (پور عبدالله، ۱۳۹۲، ص ۱۵۹).

#### ۴.۱ شخص ثالث در عقد بیع

شخص ثالث در عقود و قراردادها شخصی است که نه طرف عقد بوده و نه قائم مقام او، بنابراین در عقد بیع هم شخص ثالث شخصی است که نه بایع بوده نه مشتری و نه قائم مقام آن ها و منظور از قائم مقام کسی است که به جانشینی از در عقد اجاره دیگری حقوق و تکالیفی پیدا میکند. (پور عبدالله، ۱۳۹۲، ص ۱۶۰).

#### ۵.۱ شخص ثالث در عقد اجاره

در ماده ۴۸۸ ق.م.آ. آمده است: اگر شخص ثالثی بدون ادعا حقی در عین مستأجره یا منافع آن، مزاحم مستأجر گردد، در صورتی که مزاحمت قبل از قبض عین مستأجره باشد، مستأجر حق فسخ دارد و اگر فسخ نمود میتواند برای رفع مزاحمت و مطالبه اجراء المثل به خود مزاحم رجوع کند و اگر مزاحمت بعد از قبض عین مستأجره باشد حق فسخ ندارد و فقط میتواند به مزاحم رجوع کند. در این ماده قانونی منظور از شخص ثالث، شخصی است که نه طرف عقد اجاره بوده نه قائم مقام وی، با این حال برای مستأجر ایجاد مزاحمت

نموده و مانع از استفاده مطلوب وی از عین مستأجره میشود که داین صورت حکم قضیه در فرضی که شخص مزاحم مدعی حقی هم باشد یا نباشد و نیز در فرضی که عین مستأجره به تصرف مستأجر درآمده و یادرنیامده باشد متفاوت است. (پور عبدالله، ۱۳۹۲، ص ۱۶۱).

## ۶.۱ شخص ثالث در آیین دادرسی مدنی

در دادرسی های مدنی اصولاً طرفین دعوی یعنی خواهان و خوانده، ارکان اصلی دادرسی هستند و جریان رسیدگی بر مبنای دادخواستی است که خواهان به طرفیت خوانده و به خواسته معین داده است. بر همین اساس وقتی صحبت از شخص ثالث در چنین مواردی میشود، مقصود شخصی غیر از خواهان و خوانده است که یا از طریق ورود ثالث و یا جلب ثالث به اصحاب دعوی اصلی اضافه میشود. پور عبدالله، ۱۳۹۲، ص ۱۶۱). گاهی اوقات در جریان دادرسی، شرایطی به وجود می آید که لازم میشود تا اشخاصی که در ابتدای تشکیل پرونده دخالت نداشته اند، برای صیانت از حقوق خود یا کمک به یکی از طرفین درگیر در پرونده وارد دعوی اصلی میشوند.

در تعریف دعوی ورود ثالث میتوان گفت: دعوی ورود شخص ثالث عبارت است از اقدام قانونی شخص ثالث اعم از حقیقی یا حقوقی، به موجب ارائه تقدیم دادخواستی مستقل به دادگاه رسیدگی کننده به اصل دعوی به طرفیت یکی از طرفین یا هر دو طرف دعوی اصلی، به منظور ابراز ادعای حقیقی مستقل جهت خویش نسبت به تمام یا بخشی از خواسته دعوی اصلی و یا اعلام ذی نفع بودن در محقق شدن یکی از طرفین دعوی اصلی که شامل رسیدگی در مرحله بدوی نیز مرحله تجدیدنظر هم میشود. در این خصوص ماده ۱۳۰ و ۱۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر میدارد: هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوی اصلی برای خود مستقلاً حقی قائل باشد و یا خود را در محقق شدن یکی از طرفین ذی نفع بداند، میتواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا گردد چه این که رسیدگی در مرحله بدوی

باشد یا در مرحله تجدیدنظر، در این صورت نامبرده باید دادخواست خود را به دادگاهی که دعوی در آن جا مطرح است تقدیم و در آن منظور خود را به طور صریح اعلام نماید. (پایگاه اطلاع رسانی قوه قضائیه، ۱۳۹۷).

در حقوق ما طرح دعوی متقابل تنها در مرحله بدوی امکان پذیر است. در حقیقت قانونگذار امکان طرح دعوی ورود ثالث و جلب ثالث را در مرحله تجدیدنظر در مواد ۱۳۰ و ۱۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی تصریح نموده اما در خصوص دعوی متقابل، قضیه را در ماده ۱۴۱ قانون مزبور به سکوت برگزار نموده است؛ پس طرح آن مجاز نمیباشد. اما ماده ۵۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه مقرر میدارد که «دعوی متقابل در مرحله پژوهشی نیز مشروط به همان شرط مقرر در ماده ۷۰ آیین دادرسی مدنی فرانسه یعنی وجود ارتباط کافی بین آن و دعوی اصلی است.

دعوی متقابل در مرحله وخواهی قابل طرح نمیباشد. در حقیقت در این مرحله موضوع دادرسی تنها فسخ یا تأیید حکم غیابی مورد اعتراض، البته بالحاظ دفاعیات وخواه است. در این خصوص نیز قانون ساکت است و این در حالی است که جلب ثالث در مرحله وخواهی در ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی تصریح شده و ورود ثالث در ماده ۱۳۰ قانون مزبور آمده است. (شمس، جلد ۱، ص ۴۶۹).

## ۷.۱ شخص ثالث در اجراء احکام

در مرحله اجراء احکام، اصولاً مراحل دادرسی خاتمه یافته و حکم مقتضی صادر گردیده و حکم صادره به مرحله قطعیت رسیده و سپس با صدور اجرائیه و طی تشریفات قانونی عملیات اجرائی آغاز شده است، لذا فرض دخالت و تعرض شخص ثالث عملاً مربوط به اقدامات اجرائی و توقیف و فروش اموال منقول و غیر منقول توسط واحد اجراء احکام است؛ بر همین اساس مقصود از شخص ثالث در این مرحله، شخصی غیر از محکوم له و محکوم علیه است که نسبت به مال توقیف شده در مسیر عملیات اجرائی ادعای حقی داشته و طبق مقررات باید به آن رسیدگی شود. مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی، مقررات مربوطه را تحت عنوان شخص ثالث مطرح نموده است. ماهیت اعتراض ثالث در قانون آیین دادرسی مدنی، اعتراض به حکم صادره است اما ماهیت اعتراض ثالث در قانون اجرای احکام مدنی، اعتراض به نحوه

عملیات اجرائی و توقیف یا فروش مال موضوع حق یا ادعای شخص ثالث است. (پور عبدالله، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲).

## ۲. حقوق متعلق به وارد ثالث

هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی که خود را در دعوی حقوقی بین دو نفر ذی حق بداند یا در حاکم شدن یکی از طرفین خود را ذی نفع بداند میتواند با تقدیم دادخواست قبل از اعلام ختم رسیدگی در دو حالت وارد دعوی شود؛ حالت اول: شخص ثالث برای خود مستقلاً حقی قائل است مانند این است که در دعوی مدنی بین طرفین اصلی راجع به مالکیت آپارتمانی، شخص ثالث با هدف اثبات مالکیت خود وارد دعوی شود و ادعا کند که ملک مورد بحث متعلق به اوست و دعوی خواهان برخوانده بی مورد است. حالت دوم: شخص ثالث مستقلاً حقوقی برای خود قائل نیست بلکه خود را ذی نفع در محقق شدن یکی از طرفین اصلی دعوا میداند. مثلاً دعوایی در خصوص مالکیت ملکی که خواهان و خوانده هر یک خود را مالک آن میدانند مطرح است و سابقاً شخص ثالثی که حق ارتفاق آن ملک را از خوانده خریداری کرده بخواهد برای اثبات مالکیت خوانده و کمک به او وارد دعوی شود، زیرا شکست او در دعوی باعث از بین رفتن حق ارتفاق مزبور میشود. (پایگاه اطلاع رسانی قوه قضائیه، ۱۳۹۷).

## تشریفات دعوی ورود ثالث

شیوه طرح این دعوی بدین ترتیب است که اولاً نیاز به دادخواست دارد و مرجع تقدیم دادخواست دادگاهی است که دعوی اصلی در آن مطرح است. ثانیاً این دادخواست باید به تعداد خواهان ها و خواندگان دعوی اصلی به علاوه یک نسخه تهیه شود و رونوشت یافتوکی مستندات را الحاق نماید. ثالثاً وارد ثالث چون عنوان خواهان را دارد بایستی تشریفات را در موقع تقدیم دادخواست رعایت نماید از جمله این که به مأخذ و میزان خواسته تمبرالصاق نماید. رابعاً تقدیم این دادخواست تا قبل از ختم دادرسی ممکن میباشد. لیکن پس از صدور رأی قطعی از دادگاه بدوی یا تجدیدنظر چنانچه شخص ثالث از رأی صادره

متضرر شود و در جریان دادرسی دخالت نداشته باشد میتواند به عنوان ثالث نسبت به آن رأی اعتراض کند (پایگاه اطلاع رسانی قوه قضائیه، ۱۳۹۷).

#### ۱.۴ جایگاه وارد ثالث در دعوی اصلی

باتوجه به اینکه شخص ثالث بعد از ورود در دعوی خواهان محسوب میشود ، تمامی آثار خواهان نسبت به وی جاری است . بدین معنا که هر یک از طرفین دعوی اصلی میتوانند به ورود شخص ثالث ایراد نمایند، اگر دادگاه ایراد را وارد بداند قرارداد دعوی ثالث را میدهد و ادعای وارد ثالث را قبول نمیکند. البته قرار رد دعوی ثالث مانع از این نیست که شخص ثالث دعوی جداگانه مطرح کند یا اگر قرار دادگاه بدوی صادر شده باشد در مرحله تجدیدنظر میتواند دادخواست بدهد. در نهایت ، باتوجه به این که وارد ثالث در شمار اصحاب دعوی تلقی میشود، میتواند نسبت به رأی صادره ، درخواست تجدیدنظر، فرجام یا اعاده دادرسی کند . باین توصیف در فرضی که دعوی ورود ثالث بایکی از قرارهای قاطع دعوی مانند قرارداد دعوی وارد دادخواست مواجه شود ، وی میتواند از قرار صادره تجدیدنظرخواهی کند و در صورتیکه دادگاه تجدیدنظر قرار صادره رانقض کند ، پرونده را برای رسیدگی ماهوی به همراه دعوی اصلی ، به دادگاه بدوی ارسال میکند . (پایگاه اطلاع رسانی قوه قضائیه، ۱۳۹۷).

#### ۲.۴ تفکیک دعوی ثالث از دعوی اصلی

اگر دادگاه احراز کند که ورود ثالث به انگیزه تأخیر و اطاله دادرسی پرونده اصلی اقامه شده ، دادگاه میتواند حسب ماده ۱۳۳ آیین دادرسی مدنی ، دعوی اصلی را از ثالث جدا نماید . (پایگاه اطلاع رسانی قوه قضائیه، ۱۳۹۷).

#### ۵. قواعد پذیرش ورود ثالث

۱.۵ قواعد پذیرش ورود ثالث اصلی : ورود ثالث وقتی اصلی شمرده میشود که ثالث در موضوع دادرسی اصحاب دعوی اصلی برای خوا حق قائل باشد ؛ یابه عبارت دیگر حق موضوع دعوا را کلاً یا جزئاً متعلق به



خودبداند ؛ بنابراین درچنین حالتی در صورتی که دعوی اصلی مطرح نگردیده بود ، ثالث برای مطالبه حق خود از شخصی که آن را در اختیار نداشت ، چاره ای جز اقامه ی دعوی اصلی نداشت و در این راه می بایست تمامی شرایط اقامه دعوا را دارا می بود . در نتیجه در اقامه ی دعوی ورود ، وارد ثالث اصلی باید تمامی شرایط اقامه دعوا را دارا باشد ؛ همان شرایط و با همان ویژگی ها که برای اقامه هر دعوی لازم است . پس از جمله باید ذی نفع باشد ، نفعی که حقوقی و مشروع بوده ، به وجود آمده و باقی باشد و شخصی و مستقیم شمرده شود . هرگاه هر یک از شرایط اقامه دعوا وجود نداشته باشد ، شخص ثالث با همان رأیی روبه رو میشود که هر خواهانی در آن شرایط روبه رو میگردد که معمولاً قرار رد دعواست ، شکایت از این رأی تابع قواعد عمومی شکایت است . هرگاه قرار رد دعوی ورود ثالث در مرحله تجدیدنظر فسخ شود و دعوی اصلی نیز در این مرحله باشد ، باید پذیرفت که دادگاه تجدیدنظر به هر دو دعوا رسیدگی می نماید زیرا رسیدگی ماهوی به دعوی ورود ثالث در مرحله تجدیدنظر پذیرفته شده است . هرگاه شرایط اقامه دعوا وجود داشته باشد ، دادگاه باید به دعوی که وارد ثالث اقامه کرده رسیدگی نماید اما در عین حال دادگاه باید به دو شرط توجه کند : شرط نخست سلبی است و آن این که دعوی مزبور به منظور تبانی یا تأخیر رسیدگی به دعوی اصلی اقامه نشده باشد . شرط دوم این است که رسیدگی به دعوی اصلی منوط به رسیدگی به دعوی ثالث باشد یا دعوا با هم ارتباط داشته باشند ؛ در غیر این صورت باید به هر یک جداگانه رسیدگی کند ، هرگاه شرایط حاصل باشد و دادگاه به دعوی اصلی و ورود ثالث توأماً رسیدگی کند در رأی واحدی نسبت به هر دو دعوا تصمیم گیری می نماید . (شمس ، ۱۳۹۶ ، جلد ۳ ، ص ۴۳).

## ۲.۵ قواعد پذیرش ورود ثالث تبعی

وارد ثالث تبعی خود را در محق شدن یکی از اصحاب دعوی اصلی ذی نفع می داند و برای خود در موضوع دادرسی اصحاب دعوی اصلی حق مستقلی مطالبه نمی کند . در این دعوا نیز شرایط اقامه ی دعوا باید وجود داشته باشد ؛ بدین معنا که ثالث باید اهلیت داشته ، سمت دادخواست دهنده محرز باشد و ... اما در ارتباط با ذی نفع بودن ثالث باید قدری نرمش نشان داده شود ، بدین سان که کافی است ثالث بیم آن را داشته باشد

که در صورت محکومیت طرفی که برای تقویت او وارد شده حق اوتضییع میشود . بنابراین وجود خطر تضییع حق ثالث کافی است تا بتواند وارد شود اما وجود این «خطر» باید احراز شود . (شمس، ۱۳۹۶، جلد ۳، ص ۴۵).

## ۱.۶ اعتراض شخص ثالث

اعتراض شخص ثالث یکی از طرق فوق العاده ی شکایت از آرا شمرده میشود بدین دلیل که این شکایت اثر تعلیقی بر اجرای رأی ندارد . ماده ۴۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی جدید «هرگونه رأی صادره از دادگاه های عمومی ، انقلاب و تجدیدنظر» را قابل اعتراض ثالث اعلام می نماید و همین امر موجب میشود که این طریق شکایت به طرق شکایت عادی بسیار نزدیک شود . نکته مهمی که در مورد اعتراض شخص ثالث نظر حقوقدانان را به خود مشغول کرده است این است که چون آرای دادگاه ها اثر نسبی دارند چگونه ممکن است شخص ثالثی ناچار به شکایت نسبت به رأی شود که له و علیه دیگران صادر شده است . در جواب باید گفت آراء ، علی رغم اثر نسبی آن ها می توانند با حقوق اشخاصی غیر از طرف های حکم برخورد پیدا نمایند و در این صورت منطقی خواهد بود که به اشخاص ثالث اجازه داده شود ، از طریق شکایت نسبی به آن ها ، حقوق خود را احقاق یا حفظ نمایند. (شمس، ۱۳۹۵، جلد ۲، ص ۴۶۳).

## ۲.۶ آرای قابل اعتراض ثالث

ماده ۴۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی جدید می گوید «شخص ثالث حق دارد به هرگونه رأی صادره از دادگاه های عمومی ، انقلاب و تجدیدنظر اعتراض نماید ... » بنابراین اعتراض شخص ثالث نسبت به «هرگونه رأی » صادره از دادگاه ها قابل طرح میباشد . پس نه تنها احکام بلکه قرارها و نه تنها آرای غیر قطعی بلکه آرای قطعی و نه تنها احکام حضوری بلکه احکام غیابی و نه تنها آرای صادره از دادگاه نخستین بلکه آرای صادره از دادگاه تجدیدنظر نیز قابل اعتراض شخص ثالث میباشد .

در مورد قابلیت اعتراض قرارها نیز، با توجه به عموم و اطلاق ماده ۴۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی باید پذیرفت که نه تنها قرارهای قاطع دعوا بلکه قرارهای اعدادی یا مقدماتی نیز قابل اعتراض ثالث میباشند (شمس، ۱۳۹۵، جلد ۲، ص ۴۶۶). قرار تأمین خواسته قراردادستورموقت نیز به طریق اولی (در صورت وجود سایر شرایط) قابل اعتراض شخص ثالث میباشند. در نتیجه دادگاه نمیتواند قرار عدم استماع دعوی اعتراض ثالث را به علت نوع قرار، هر قراری که باشد صادر کند. اعتراض ثالث نسبت به حکم و قرارهای صادره از دادگاه نخستین در صورت و تازمانی ممکن است که نسبت به آن ها درخواست تجدیدنظر نشده باشد. زیرا با درخواست تجدیدنظر، صلاحیت دادگاه نخستین در رسیدگی به امور مربوط به دعوا خاتمه می یابد. بنابراین شخصی که رأی مرحله نخستین را مخل حق خود میداند، در صورتی که رأی مزبور مورد تجدیدنظرخواهی قرار گرفته باشد، یاباید به عنوان ثالث در مرحله تجدیدنظر وارد شود و یا در انتظار رأی این مرحله بماند و در صورت لزوم در دادگاه تجدیدنظر به آن اعتراض ثالث کند. (شمس، ۱۳۹۵، جلد ۲، ص ۴۶۷).

### ۳.۶ مهلت اعتراض

در حقوق ایران برای طرح اعتراض شخص ثالث مهلتی تعیین نشده است. بنابراین آرای دادگاه ها، بدون محدودیت زمانی، قابل اعتراض شخص ثالث میباشند، تفاوتی نمی نماید که شخص ثالث از رأی آگاه بوده یا نبوده باشد. حتی در زمانی که رأی به شخص ابلاغ شده باشد، میتواند بدون محدودیت زمانی، نسبت به آن اعتراض کند. (شمس، ۱۳۹۵، جلد ۲، ص ۴۷۴).

### ۱.۷ جلب ثالث

اگر از جانب یکی از اصحاب دعوی علیه شخص ثالثی اقامه دعوی شود، جلب ثالث گفته می شود. باین توصیف هرگاه در جریان دادرسی هر یک از اصحاب دعوی به جهت حصول منافی جلب شخص ثالثی را لازم بداند، حق دارد تا پایان جلسه اول دادرسی جهات و دلایل خود را در دادگاه اظهار و سپس ظرف سه روز

باتقدیم دادخواست از دادگاه درخواست وارد کردن شخص ثالث را به دادرسی کند. شخصی که به دادرسی جلب شده چون حکم خوانده را دارد، میتواند از تمامی حقوق خوانده از جمله ادعای تقابل و سایر ایرادات برخوردار باشد. همچنین اگر دادخواست جلب ثالث ناقص باشد و پس از اخطار رفع نقص از جانب مدیر دفتر تکمیل نشود، قرار رد آن صادر میگردد یا این که ثالث برای توضیح حاضر نگردد، قرار ابطال دادخواست صادر میشود یا بر اثر محرز نبودن سمت خواهان

قرار رد دعوی صادر میگردد البته رد یا ابطال دادخواست یارد دعوی ثالث مانع ورود او در مرحله تجدیدنظر نخواهد بود.

دعوی جلب ثالث به شرط داشتن ارتباط با دعوی اصلی یا دارای منشأ واحد بودن، قابل طرح است و از دعوی اصلی چه از جهت رسیدگی و چه از جهت حکمی تبعیت می کند. در واقع دعوی طاری دعوی است که در اثناء رسیدگی به دعوی دیگر از طرف اصحاب دعوی یا ثالث اقامه میشود، خواه اصحاب دعوی یا ثالث بریکدیگر اقامه کنند یا بر ثالث و یا ثالث بر یکی از اصحاب دعوی اقامه کند. دعوی طاری مانند دعوی متقابل، ورود و جلب ثالث که به تبع دعوی اصلی مطرح میشود. ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی لزوم تأثیر اتخاذ تصمیم در یک دعوی، در دعوی دیگر را مصداق ارتباط دعوی طاری با دعوی اصلی میدانند. (پایگاه اطلاع رسانی قوه قضائیه، ۱۳۹۷).

## ۲.۷ هزینه جلب دادرسی

تشریفات دادرسی مانند وارد ثالث میباشد و نیاز به ارائه دادخواست و سایر مواردی است که در ورود ثالث وجود دارد. بر اساس مقررات هزینه دادرسی جلب ثالث به میزان سه و نیم درصد از مبلغ خواسته، بر عهده طرح کننده آن میباشد و از این جهت از دعوی اصلی تبعیت میکند. دادخواست جلب شخص ثالث نیز تابع همان تشریفات و شرایط دادخواست اصلی است و به جز خواهان دعوی جلب ثالث که خود در دعوی اصلی حاضر است، بقیه حاضران در دعوی اصلی و مجلوب ثالث به عنوان خواندگان دعوی جلب ثالث محسوب میشوند و نسخه های دادخواست به تعداد آن ها به علاوه یک نسخه با تبعیت از خواسته دادخواست اصلی

تنظیم میشود؛ باین تفاوت که دعوی جلب شخص ثالث ، دعوی تبعی بوده و از همه جهات و تشریفات رسیدگی ، تابع دعوی اصلی است .(پایگاه اطلاع رسانی قوه قضائیه،۱۳۹۷).

## ۸. نتیجه گیری

- \_ در دعوی مالی ، در دعوی مرتبط و غیرقابل تجزیه و تفکیک ، اشخاص ثالث ، حق اعتراض ثالث دارند .
- \_ در اعتراض ثالث دعوا صرفا نقض حکم سابق است . معترض ثالث نمی تواند علاوه بر نقض حکم سابق ، خواسته دیگری را مثل مطالبه یا خلع ید به نفع خود مطرح کند ، بلکه بعد از نقض حکم میتواند دعوی مستقل برای آن خواسته مطرح کند .
- \_ معترض ثالث باید از کلیه طرق دفاعی نسبت به حکم مورد اعتراض استفاده کند . به دلیل این که باید از کلیه طرق دفاعی برای نقض حکم سابق استفاده کند ، حق ندارد بعد از رد دعوی اعتراض ثالث ، با تغییر سبب ، دعوی اعتراض ثالث را مجددا اقامه نماید .
- \_ علاوه بر جلب ثالث اصلی ، جلب میتواند کمکی یا تقویتی باشد؛ هر یک از اصحاب دعوی میتواند جهت حصول منافع خود شخص ثالثی را تا پایان جلسه اول دادرسی به دادگاه جلب نماید .

## منابع

### کتاب

- \_ شمس ، عبدالله . (۱۳۹۶) . آیین دادرسی مدنی ، جلد ۱ ، تهران : انتشارات دراک
- \_ شمس ، عبدالله . (۱۳۹۵) . آیین دادرسی مدنی ، جلد ۲ ، تهران : انتشارات دراک
- \_ شمس عبدالله . (۱۳۹۶) . آیین دادرسی مدنی ، جلد ۳ ، تهران : انتشارات دراک

پورعبدالله ، محسن . (۱۳۹۲) . ادعای ثالث نسبت به مبیع ، تهران :انتشارات دادگستر

مقاله

\_ پایگاه اطلاع رسانی قوه قضائیه . (۱۳۹۷) . ورود و جلب شخص ثالث در دادرسی مدنی ،

حقوق گام به گام ، شماره ۱۵۵



-



